

### متن پرسش

با عرض سلام: جناب استاد چند سوال داشتم: ۱. اگر کسی به درجه یا مقام ایمان نرسیده باشد آیا اعمال دیگرش مثال انفاق او قبول می شود؟ ۲. چرا انسان با توکل می تواند قدرتمند باشد؟ آیا انسان بی ایمان که البته ظاهراً مایل به ایمان است ولی در باطن نتوانسته به ایمان برسد در معرض تجلیات لطف حق قرار ندارد یعنی خداوند به انسان با ایمان نظری مخصوص تر دارد مگر نه این است که خداوند از پدر و مادر بر انسان مهربان تر است و همیشه بر انسان مهربان؟ ۳. وقتی کسی ذکر «لا حول ولا قوه الا بالله» را سه بار می گوید چه می شود که اثر چشم زخم بر او کم می شود یعنی قلب ما متوجه خدا می شود و او هم به ما توجه می کند؟ یعنی ما با اختیار خودمان می توانیم در اراده و مشیت خدا تغییر ایجاد کنیم؟ یعنی قبل از آن خدا ما را به حال خودمان رها کرده است؟ ۴. استاد وقتی به وسیله ریاضات شرعی درجه تجردمان زیاد شد و جمع شدیم باز با رفتن به کوی و برزن و بازار و صحبت با خلق و... رفته رفته دوباره متکثر می شویم با توجه به حدیث امام رضا (ع) که می فرماید کسی که دین را فدای دنیا و دنیا را فدای دین کند از ما نیست چگونه می توان دنیا را به دست بیاوریم بدون اینکه گرفتار کثرت شویم؟ با تشکر

### متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- ایمان یک حقیقت تشکیکی است و هراندازه خلوص انسان بیشتر باشد یعنی با قلب امیدوارتر به حضرت حق رجوع کند، به همان اندازه جواب عمیق‌تری می‌گیرد و به یک معنا انفاق او با عمق بیشتری که خودش نسبت به توحید الهی داشته است قبول می‌شود ۲- توکل نیز به این معنا است که انسان در اعمال خود در عین انجام اعمال، به خدا رجوع کند ولی به جای امید به اعمال خود به خدا امید داشته باشد که آن اعمال را به عالی‌ترین نتیجه برساند و مهربانی خدا به این معنا است که رجوع بنده به پروردگارش را بی‌جواب نمی‌گذارد ۳- با ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» نظر به حضور مطلق حضرت پروردگار در همه‌ی امور می‌کنیم و حضرت پروردگار نیز با همین نگاه و ایمان ما به امورات ما نظر می‌کنند ۴- به هر صورت ما باید هرچه بیشتر توحید خود را شدت ببخشیم تا در هر صحنه‌ای قبل از آن که امورات کثیر برایمان اصالت پیدا کند حضور حضرت حق اصالت داشته باشد.  
موفق باشید